محدوده جواز نظر به مخطوبه

نرگس اعتمادی[1]

چکیده

موضوع مقاله حاضر، «محدوده جواز نظر به مخطوبه» است. آرای فقهای شیعه درباره نگاه مرد به زنی که خواستار ازدواج با اوست، ذیل سه نظریه مطرح شده است: ۱. محدودیت جواز نظر بر وجه و کفین؛ ۲. جواز نظر بر وجه و کفین و محاسن؛ ۳. جواز نظر بر تمام بدن بدون پوشش به استثنای عورت.

با بررسی اقوال، قول دوّم به عنوان نظر صحیح مطرح شده است؛ چرا که با وجود نصوص صحیح بر جواز نظر بر بیش از وجه و کفین مخطوبه، محدودیت جواز نظر بر وجه و کفین، نوعی اجتهاد در مقابل نصّ است و از طرفی در روایات، اطلاقی نسبت به جواز نظر به تمام اعضای مخطوبه وجود ندارد و بر فرض وجود چنین اطلاقی، نصوص صحیح، مقیّد این اطلاق می‌باشد؛ در نتیجه قول دوّم، قول صحیح است که محدوده جواز نظر به مخطوبه، وجه و کفین و محاسن است.

واژه‌های کلیدی: مخطوبه، خاطب، معصم، محاسن، وجه، کفّین

---

۱. پژوهشگر و طلبه سطح چهار جامعه‌الزهراء علیها السلام؛ Ershdkah1352@gmail.com.

The Limit of the Permission to Look at Makhtoobeh

Narges E'temadi [1]

Abstract

This paper is entitled "the Limit of the Permission to Look at *Makhtoobeh*". The views of Shiite jurists on a man's permission to look at *Makhtoobeh* (a woman who a man wants to marry), have been proposed in following three theories:1. permission to look at the face and hands 2. permission to look at the face, hands and hair; 3. permission to look at the whole uncovered body except the private parts. By examining these theories, we conclude that the second theory is the correct opinion; because despite authentic texts on the permission to look at the face and hands of the woman who a man wants to marry, limiting the permission to look at the face and hands is a kind of ijtihad against the text, and on the other hand, in the narrations, there is no presumption for the permission to look at the whole body of *Makhtoobeh*, and on the assumption of such an application, it is limited by the authentic texts. Therefore, the second theory that permits looking at *Makhtoobeh*'s face, hands and hair is correct.

Keywords: Makhtoobeh, khateb, forearm, hair, face, hands

---

1. Level Four Student and Researcher at Jami'at al-Zahra, Ershdkah1352@gmail.com

نطاق جواز النظر إلى المخطوبة

نرجس اعتمادی[1]

الخلاصة

طرحت في هذا المقال آراء فقهاء الشيعة حول نظر الرجل إلى المرأة التي يُراد الزواج منها، وقد طرحت النظريات الثلاث التالية: ١. حدّ جواز النظر إلى الوجه والكفين. ٢. جواز النظر إلى الوجه والكفّين والمحاسن. ٣. جواز النظر إلى كلّ الجسد من دون الستر باستثناء العورة.

من خلال فحص الأقوال، تم تقديم القول الثاني باعتباره الرأي الصحيح؛ لأنّه بالرغم من وجود النصوص الصحيحة في جواز النظر لأكثر من وجه المخطوبة وكفّيها، فإنّ حصر جواز النظر بالوجه والكفّين هو نوع من الاجتهاد في مقابلة النصّ، ومن ناحية أخرى لا يوجد في الروايات إطلاق بالنسبة لجواز النظر إلى كلّ جسم المخطوبة، ومع افتراض هكذا إطلاق فإنّ النصوص الصحيحة مقيّدة لهذا الإطلاق؛ وبالنتيجة القول الثاني هو القول الصحيح، والذي يُحدّد نطاق جواز النظر بالوجه والكفّين والمحاسن.

الكلمات المفتاحية: المخطوبة، الخاطب، المعصم، المحاسن، الوجه، الكفين.

---

١. المحقق وطلبة سطح الرابع جامعةالزهراءﷺ؛ Ershdkah1352@gmail.com.

۱. مقدمه

موضوع جواز نظر مرد به زنی که خواهان ازدواج با اوست و محدوده و شرایط آن از دیرباز در کتب فقهی مورد بحث بوده و روایات فراوانی درباره این مسئله نقل شده است. اصل جواز نظر به مخطوبه مورد اتّفاق است و همهٔ فقها در این عقیده مشترک هستند که حکم نگاه به مخطوبه با نگاه به زن أجنبیه متفاوت است و برخی از نگاه‌ها که به أجنبیه حرام است، به مخطوبه مجاز است؛ امّا فتاوای فقها در مورد محدوده جواز نظر متفاوت است؛ این فتاوا از محدود بودن نگاه مجاز به وجه و کفیّن شروع شده است و تا جواز نگاه به تمام اعضاء مخطوبه بدون داشتن هرگونه پوشش امتداد می‌یابد.

با توجه به حرمت و ارزشی که دین مبین اسلام برای شخصیت زن قائل است، ضوابطی را در ارتباط زن و مرد نامحرم لحاظ کرده است؛ یکی از این ظوابط در امر خواستگاری است که باید محدوده جواز نظر به زن تعیین شود تا مانع هر گونه هنجارشکنی و سوءاستفاده در این امر باشد.

در محدوه جواز نظر به مخطوبه اقوال فقها مختلف است؛ هدفی که در این پژوهش مد نظر است، جمع‌بندی اقوال مختلف در محدوده جواز نظر به مخطوبه و بررسی دلایل و انتخاب قول صحیح است.

در کتب فقهی در باب نکاح، در مورد جواز نظر به زن در خواستگاری بحث شده است و فقها در کتبی مانند خلاف، شرایع الإسلام، ریاض المسائل، تذکرة الفقهاء و غیره نظرات خود را مطرح کرده‌اند؛ اما در مجوعه‌ای واحد، اقوال و دلایل و اشکالات آنها بیان نشده است؛ در این مقاله، اقوال مختلف فقها مطرح شده و دلایل آن‌ها بررسی می‌شود و سپس در صورت وجود اشکال بر دلایل، این اشکالات بیان می‌گردد.

سؤالات این پژوهش عبارت است از: ۱. مواضع مجاز نظر به مخطوبه چیست؟ ۲. حکم نگاه به محاسن زن مخطوبه چیست؟ ۳. حدود جواز نظر به مخطوبه در روایات چیست؟ ۴. شروط جواز نظر به مخطوبه چیست؟

۲. تعریف مفاهیم

۱. مخطوبه: مخطوبه از خطبة (خَطُبَ یَخطُبُ) بـه معنـای خواسـتگاری کـردن از زن است (ابن‌منظور، ۱۴۱۳ق، ج۴، ص۱۳۵؛ فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج۴، ص۲۲۳). خاطب مرد خواستگار اسـت و مخطوبه زنی است که خواستگاری می‌شود.

۲. معصم: معصم از عصم به معنای «منع» اسـت و معصـم بـه معنـای جـایی اسـت کـه دستبند بسته می‌شود (ساعد) (ابن‌منظور، ۱۴۱۳ق، ج۱۲، ص۴۰۸؛ فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج۱، ص۳۱۵).

۳. محاسن: محاسن از حسن به معنای ضدّ قبح است و منظور از محاسن اندامی اسـت که زیبایی انسان در آن نمود پیدا می‌کند (ابن‌منظور، ۱۴۱۳ق، ج۱۲، ص۱۱۷؛ فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج۳، ص۱۴۳). در نظر فقها، محاسن عبارت است از: صورت و دست‌ها و موی سر (حلی، ۱۴۲۰ق، ج۳، ص۴۱۹)؛ ساعد (حائری طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج۱۱، ص۳۸)؛ گوش‌ها، گردن و گلو (عاملی کرکی، ۱۴۱۳ق، ج۱۲، ص۲۷)؛ ساق پا (موسوی خویی، ۱۴۱۸ق، ج۳۲، ص۱۴).

۴. وجه: به جلوی هر شیء وجه گفته می‌شـود (ابـن منظـور، ۱۴۱۳ق، ج۱۳، ص۵۵۶؛ فراهیـدی، خلیل بن احمد، العین، ج۴، ص۶۶). منظور از وجه در بحث مذکور، صورت است.

۵. کفّین: کف به معنـای کـف دسـت (فراهیـدی، ۱۴۱۰ق، ج۵، ص۲۸۳) و یـا دسـت اسـت (ابن‌منظور، ۱۴۱۳ق، ج۹، ص۳۰۱).

۳. مواضع مجاز نظر به مخطوبه

در مسئله محدوده و مواضع جواز نظر، سه نظریه وجود دارد:

نظریه اوّل: جواز نظر به وجه و کفّین؛

نظریه دوم: جواز نظر به وجه و کفّین و محاسن؛

نظریه سوّم: جواز نظر به تمام بدن زن بدون پوشش به استثنای عورت.

۳-۱. بررسی نظریه اوّل

در نظر اوّل، محدوده جـواز بـه زن خواسـتگاری شـده، وجـه و کفّـین اسـت (طوسـی، ۱۴۰۷ق، ج۴، ص۲۴۷؛ حلی، ۱۴۰۸ق، ج۲، ص۲۱۳؛ حلی، ۱۴۱۰ق، ص۵؛ انصاری، ۱۴۱۵ق، ص۳۸).

۱-۱-۳. ادله نظریه اول

۱-۱-۱-۳. آیات قرآن

الف. «وَلَا يبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيوبِهِنَّ وَلَا يبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ»؛ (نور، آیه ۳۱). در این آیه اطلاق نهی در «لایبدین»، شامل نگاه خاطب به مخطوبه می‌شود و تنها نظر به وجه و کفّین از این استثناء شده است (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج۴، ص۲۴۸).

ب. «قُل لِّلْمُؤْمِنِينَ يغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِك أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يصْنَعُونَ»؛ (نور، آیه ۳۰). در آیه شریفه، اطلاق امر به غضّ بصر شامل نگاه خاطب به مخطوبه هم می‌شود (حلی، ۱۳۸۷ق، ج۳، ص۵).

اشکال به استدلال این است: تعلیل‌هایی مانند سهم من سهام إبلیس، شامل نگاه به مخطوبه نمی‌شود؛ چرا که یا در این نگاه‌ها اصلاً مفسده‌ای وجود ندارد یا به علّت اینکه مصلحت نگاه در این موارد بر مفسده احتمالی خوف فتنه، غالب است؛ در نتیجه، این روایت از نگاه خاطب به مخطوبه انصراف دارد (حائری طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج۱۱، ص۴۱).

۲-۱-۱-۳. روایات

الف. جابر بن محمد انصاری از پیامبر اکرمﷺ نقل کرده است که فرمودند: «إذا أراد أحدكم أن يتزوّج امرأة فلينظر الى وجهها و كفّيها؛ هرگاه یکی از شما که خواست با زنی ازدواج کند، باید به صورت و دستان او نگاه کند». (این روایت در منابع اهل سنت ذکر شده است؛ به نقل از: طوسی، ۱۴۰۷ق، ج۴، ص۲۴۸).

تقریب استدلال: در این روایت محدودیت جواز نظر به وجه و کفّین به معنای عدم جواز نظریه سایر اعضاء است و اگر نگاه به سایر اعضاء هم مجاز بود، باید در روایت ذکر می‌شد (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج۴، ص۲۴۸).

اشکال بر استدلال این است: ۱. این استدلال مبتنی بر مفهوم لقب است و بنا بر نظر اکثر اصولیون، لقب فاقد مفهوم است (مظفر، ۱۳۷۵، ج۱، ص۱۳۰)؛ ۲. امر در «فلینظر» در مقام

توهّم حذر (حرمت نگاه به اجنبیه) است و دلالت بر جواز نظر به وجه و کفین مخطوبه دارد و این جواز، منافات با جواز نظر به سایر اعضاء ندارد.

ب. روایت ابوالدرداء از پیامبر اکرمﷺ که فرمودند: «**إذا طرح الله فی قلب امرء فلا بأس أن یتأمل محاسن وجهها**؛ زمانی که خداوند در دل کسی خواستگاری زنی را انداخت، مانعی ندارد که در محاسن صورت با تأمّل نگاه کند» (این روایت در منابع اهل سنت ذکر شده است؛ به نقل از: طوسی، ۱۴۰۷ق، ج۴، ص۲۴۹). مفهوم مخالف این خبر، دلالت بر عدم جواز نگاه به غیر محاسن صورت دارد (همان).

اشکال بر استدلال این است: ۱. مفهوم مخالف این روایت آن است که در غیر محاسن صورت نباید تأمّل و دقّت کرد؛ اما این مفهوم دلالتی بر عدم جواز نظر به سایر اعضاء، بدون تأمّل و دقّت ندارد؛ ۲. اگر به مفهوم مخالف روایت استناد شود، نگاه بر کفّین هم صحیح نیست؛ چرا که کفّین جزء محاسن صورت نیست و حال آنکه طبق نظر شیخ طوسی﵀ نظر به وجه و کفّین صحیح است (همان، ص۲۴۷). اگر اشکال شود که طبق منطوق روایات، نظر بر کفّین از مفهوم مخالف روایت خارج می‌شود، در پاسخ می‌گوییم که طبق منطوق روایات معتبره، نظر به مو و ساعد و غیره، هم از مفهوم مخالف روایت خارج می‌شود.

۳-۱-۱-۳. اجماع

شیخ طوسی﵀ ادعای اجماع بر جواز نظر به وجه و کفّین مخطوبه را دارد (همان، ص۲۴۸).

اشکال بر اجماع: وجود اختلاف میان فقها در مورد نظر به مخطوبه، برای ردّ ادعای اجماع کافی است (حائری طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج۱۱، ص۴۱).

۲-۱-۳. نقد عقلی نظریه اوّل

بنا بر نظر اوّل (جواز نظر بر وجه و کفّین) تفاوتی میان نگاه به مخطوبه و نگاه به غیرمخطوبه نخواهد بود و در نتیجه متعدّدی که درباره جواز نگاه به مخطوبه وارد شده است، لغو خواهد بود (همان).

اشکال بر نقد عقلی نظریه اوّل

بین نگاه به وجه و کفّین در مخطوبه و نگاه به وجه و کفّین در اجنبیّه تفاوت است:

۱. جواز نظر در وجه و کفّین در اجنبیه محل اختلاف است؛ امّا جواز نظر بر وجه و کفّین در مخطوبه مورد اتّفاق است.

۲. جواز نظر به وجه و کفّین در اجنبیه به اتّفاق فقها مشروط به عدم خوف فتنه است؛ اما نظر بر وجه و کفّین مخطوبه، طبق نظر برخی از فقها، مشروط به عدم خوف فتنه نیست؛ چرا که مخاطب قصد ازدواج با مخطوبه را دارد و در ازدواج فتنه‌ای نیست؛ مگر اینکه قبل از عقد کردن، خوف فتنه وجود داشته باشد (حلی، ۱۴۱۴ق، ج۲، ص۵۷۳).

۳. نظر مکرّر به اجنبیّه جایز نیست؛ امّا نظر مکرّر به مخطوبه جایز است.

۴. نظر به وجه کفیّن در اجنبیّه مکروه است؛ امّا نظر به وجه و کفیّن مخطوبه مکروه نیست، هر چند که مستحب هم نیست (عاملی، ۱۴۱۲ق، ج۷، ص۴۲).

۳-۱-۳. نقد روایی نظریه اوّل

آنچه نظریه اول را به چالش جدّی فرا می‌خواند، روایات متعددی است که برخی از آن‌ها با سند صحیح نقل شده است؛ برخی از آن روایات عبارت است از:

۱. صحیحه فضلاء عن أبی عبدالله علیه‌السلام قال: «**لا بأس بأن ینظر الی وجهها و معاصمها إذا أراد إن یتزوّجها**» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج۱۰، ص۶۷۹، ح۲). امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: «مانعی ندارد که مرد به صورت و دستان زنی که می‌خواهد با او ازدواج کند، نگاه کند». طبق این روایت، نگاه به ساعد جایز است و محدوده ساعد فراتر از کفین است؛ لذا این روایت نظریه محدودیت جواز نظر به وجه و کفین را باطل می‌کند.

۲. روایت عبدالله بن سنان: **قال قلت لأبی عبدالله الرجل یرید أن یتزوّج المرأة ینظر الی شعرها فقال**: «**انّما یرید أن یشتریها بأغلی الثمن**»؛ سائل از امام علیه‌السلام سؤال می‌کند که آیا مرد می‌تواند به موی زنی که قصد ازدواج با او را دارد، نگاه کند، امام علیه‌السلام می‌فرمایند: «بله؛ زیرا او می‌خواهد او را با قیمت گران بخرد» (عاملی، ۱۴۱۳ق، ج۲۰، باب ۲۶ از ابواب مقدمات نکاح، ص۸۹، ح۷).

این روایت به طور صریح دلالت بر جواز نظر بـه مـوی زن را دارد و در نتیجـه، نـافی نظریه اول (محدودیت جواز نظر به وجه و کفیّن) است.

۲-۳. بررسی نظریه دوّم

طرفداران این نظریه علاوه بر وجه و کفیّن، نگاه بـه محاسـن بـدن را جـایز می‌داننـد. درباره محدوده محاسن بدن دو نظر وجود دارد:

۱. محاسن بدن شامل صورت و موی سر و دسـتان (حلـی، ۱۴۲۰ ق، ج۳، ص۴۱۹) و سـاعد که محل دستبند است، می‌شود (حائری طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج۱۱، ص۳۸).

۲. محاسن علاوه بر صورت و دستان و موی سـر و سـاعد، شـامل گوش‌هـا و گـردن (عاملی کرکی، ۱۴۱۳ق، ج۱۲، ص۲۹) و ساق پا می‌شود (موسوی خوئی، ۱۴۱۸ق، ج۳۲، ص۱۴).

۱-۲-۳. دلیل بر نظر دوّم

۱. نگاه به گوش و گردن از لوازم نظر به موی سر است و حکم جـاری دربـاره یـک شیء در مورد لوازم عقلایی آن هم جاری است؛ لذا نظـر بـه گـوش و گـردن هـم جـایز است (عاملی کرکی، ۱۴۱۳ق، ج۱، ص۲۹).

۲. طبق نصّ «**أنه کان إذا أراد أن یسری الجاریة یکشـف عـن سـاقها فلینظـر إلیهـا**» (عاملی، ۱۴۱۳ق، ج۱۸، کتاب التجارة، باب ۲۰ از ابواب بیع حیوان، ح۴)، نظـر بـه سـاق پـای کنیـز جـایز است؛ با جواز نظر به ساق پای کنیز به طریق اولی نظر به سـاق پـای زن آزاد جـایز اسـت (موسوی خوئی، ۱۴۱۸ق، ج۳۲، ص۱۴).

به نظر می‌رسد نه تنها اولویت جواز نگاه به ساق پـای زن آزاد نسـبت بـه کنیـز ثابـت نیست؛ بلکه احترام بیشتر زن آزاده، محدودیت بیشتری را در نگاه به وی اقتضاء می‌کند.

۲-۲-۳. ادله نظریه دوّم

استناد این نظریه به روایات است:

۱. عن رجل، عن أبی عبدالله علیه‌السلام، قال: «**قلت: أینظر الرجل الی المرأة یرید تزویجها فینظر**

الی شعرها و محاسنها؟ قال: لا بأس بذلك إذا لم یکن متلذّذا»؛ مردی از امام صادق علیه السلام پرسید: «آیا مرد می‌تواند به مو و محاسن زنی که می‌خواهد با او ازدواج کند، نگاه کند؟ امام فرمود: مانعی ندارد، در صورتی که با این کار در صدد التذاذ نباشد» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج۱، ص۶۸۰، ح۵).

دلالت این روایت بر جواز نظر به اعضایی که جزء محاسن به حساب می‌آید، تمام است.

۲. **عن جعفر علیه السلام عن أبیه علیه السلام عن علیّ علیه السلام: «فی رجل ینظر الی محاسن امرأة یرید أن یتزوجها، قال لا بأس إنّما هو مستام فإنّ یقض أمر یکن**» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج۷، ص۴۳۵، ح ۲). امام صادق علیه السلام از امام باقر علیه السلام از حضرت علی علیه السلام روایت کرده‌اند که حضرت در پاسخ به سؤال مردی که پرسیده بود: «آیا می‌تواند به محاسن زنی که قصد ازدواج با او را دارد، نگاه کند، فرمودند: مانعی ندارد؛ آن مرد خریدار است؛ اگر کاری مقدّر باشد، خواهد داشت». در این روایت نظر به محاسن زن جایز شمرده شده است.

۳. **عن محمد بن مسلم قال سألت أبا جعفر علیه السلام عن الرجل یرید أن یتزوّج المرأة أینظر إلیها، قال: «نعم إنّما یشتریها بأغلی الثمن**» (کلینی، ۱۴۲۹، ج۱۰، ص۶۷۸، ح ۱). محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام درباره نگاه مرد به زنی که خواستار ازدواج با اوست، سؤال کرد؛ امام علیه السلام فرمودند: «بله (جایز است)، می‌خواهد او را با بهای گرانی بخرد».

در این روایت، اطلاق در پاسخ امام علیه السلام شامل نظر به محاسن بدن زن هم می‌شود؛ لازم به ذکر است که اطلاق روایت مذکور با روایاتی که دلالت بر جواز نظر به وجه و کفین و محاسن بدن مخطوبه می‌کنند، مقیّد می‌شود.

۴. **عن أبی عبدالله علیه السلام قال: «لا بأس بأن ینظر الی وجهها و معاصمها إذا أراد أن یتزوّجها**» (همان، ص۶۷۹، ح ۲). امام علیه السلام فرمودند: «نگاه به صورت و ساعد زنی که مرد قصد ازدواج با او را دارد مانعی ندارد». در این روایت نظر به صورت و ساعد (که جز محاسن است) جایز شمرده شده است.

۵. **عن أبی عبدالله علیه السلام أنه سأله عن الرجل ینظر الی المرأة قبل أن قال: «نعم فلم یعطی ماله**» (همان، ص۶۸۰، ح ۴). امام صادق علیه السلام به سؤالی درباره جواز نگاه به زن قبل از ازدواج با

او پاسخ دادند: «آری! پس چرا مالش را در اختیار او می‌گذارد؟» این روایت هم با اطلاق خود شامل نظر به محاسن بدن مخطوبه می‌شود (همان طوری که قبلاً گذشت، اطلاق چنین روایتی با روایاتی که تنها دلالت بر جواز نظر بر وجه و کفّین و محاسن مخطوبه می‌کند، مقیّد می‌شود).

۳-۳. بررسی نظریه سوّم

برخی از فقها قائل هستند که نگاه به نیم تنه بالای زن به طور عریان جایز است (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج۲۳، ص۴۴). برخی دیگر، نگاه به تمام بدن زن به جز عورت را بدون پوشش جایز می‌دانند (طباطبایی‌یزدی، ۱۴۲۰ق، ج۲، ص۶۳۴، مسأله ۲۶؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج۲۹، ص۶۶؛ موسوی خمینی، بی‌تا، ج۲، ص۲۲۵).

۱-۳-۳. ادلّه نظریه سوّم

مستند این نظریه روایات است:

۱. موثّقه‌ی یونس بن یعقوب که از نظر صاحب حدائق﵀ مهم‌ترین دلیل به حساب می‌آید: عن یونس بن یعقوب قال: «**سألت أبا عبدالله﵇ عن الرجل یرید أن یتزوّج المرأة و أحبّ أن ینظر إلیها؟ قال: تحتجز، ثمّ لتقعد و لیدخل فلینظر، قال: قلت: تقوم حتّی ینظر إلیها؟ قال: نعم؛ قلت: فتمشی بین یدیه؟ قال: ما أحبّ أن تفعل**» (عاملی، ۱۴۱۳ ق، ج۲۰، باب ۳۶ از ابواب مقدمات نکاح، ص۹۰، ح ۱۰). امام صادق﵇ درباره نگاه به مردی که دوست دارد زن مخطوبه را ببیند، فرمودند: «زن احتجاز کند و بنشیند و آن گاه مرد بر او وارد شود و او را ببیند؛ راوی می‌پرسد: آیا می‌شود زن در پیش مرد راه برود؟ امام﵇ پاسخ می‌دهند: دوست ندارم زن چنین کند». «احتجاز» به معنای بستن لنگ است (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج۳، ص۲۵۵)؛ یعنی زن بر خود لنگی ببندد و بنشیند تا مرد او را ببیند. لذا صاحب حدائق﵀ از این جمله چنین برداشت کرده است که نظر به نیم تنه بالای زن که بالاتر از بستن إزار قرار دارد، به طور عریان، مجاز است (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج۲۳، ص۴۴).

اشکال بر استدلال این است: استدلال صاحب حدائق﵀ مبنی بر این است که در

روایت «تحتجز» آمده باشد؛ در حالی که نسخه تهذیب «تحتجر» نقل شده است (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج۷، ص۴۴۸). از طرفی، احتجار به معنای نشستن در یک محل است (حمیری، ۱۴۳۰ق، ج۳، ص۳۵۵)؛ یعنی زن مخطوبه در اتاقی بنشیند و مرد برای دیدن او بیاید و بنا بر نسخه مذکور، استدلال صاحب حدائق﵀ دچار اشکال می‌شود.

۲. صحیحه محمد بن مسلم که عمده دلیل صاحب جواهر﵀ بر ادعای خود است: عن محمد بن مسلم قال: سألت أبا عبدالله﵇ عن الرجل یرید أن یتزوّج المرأة، أینظر إلیها؟ قال: «**نعم، إنّما یشتریها بأغلی الثمن**» (عاملی، ۱۴۱۳ق، ج۲۰، باب ۳۶ از ابواب مقدمات نکاح، ص۸۸ ح ۱). از امام باقر﵇ درباره مردی سؤال شد که قصد ازدواج با زنی را دارد، آیا می‌تواند به او نگاه کند؟ حضرت فرمود: «بله؛ چرا که مرد خواهان خرید او با قیمت گران است».

صاحب جواهر﵀ معتقد است که این روایت با اطلاق خود شامل جواز نظر به تمام اعضای بدن مخطوبه می‌شود؛ مگر عورت که علم به حرمت نظر بر آن وجود دارد، لذا این عضو از اطلاق روایت خارج است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج۲۹، ص۶۶).

اشکال بر استدلال

در استدلال به اطلاق صحیحه برای جواز نظر به تمام اعضای مخطوبه، باید در دو مقام بحث شود:

مقام اوّل: بررسی اطلاق در صحیحه

در صحیحه اطلاقی نسبت به جواز نظر بر تمام اعضاء مخطوبه وجود ندارد؛ چرا که صحیحه در مقام بین حکم جواز نظر به مخطوبه به عنوان حکم تعبدی نیست، بلکه منشأ حکم جواز نظر به مخطوبه، دفع ضرری است که احتمال می‌رود متوجه زوج شود و لذا حضرت در مقابل تعلیل می‌فرمایند: «**انّما یشتریه بأغلی الثمن**» (چرا که مرد خواهان خرید زن با قیمت گران است)؛ در نتیجه محدوده جواز نظر تا جایی است که غرر رفع شود و رفع غرر با نظر به وجه و کفیّن (انصاری دزفولی، ۱۴۱۵ق، ص۴۰) و محاسن است. (موسوی خوئی، ۱۴۱۸ق، ج۳۲، ص۱۵).

لازم به ذکر است که قائلان به نظر سوم ادّعای اطلاق در روایات دیگری هم

کرده‌اند که این ادّعا صحیح نیست؛ چرا که در این روایات هم اطلاقی وجود نـدارد کـه دلالت بر جواز نظر به تمام اعضاء مخطوبه کند:

ـ عن الحسن بن السرّ قال: قلت لأبی عبدالله علیه‌السلام: الرجل یرید أن یتزوّج المرأة، یتأملها و ینظر إلی خلفها و الی وجهها؟ قال: «**نعـم، لا بـأس أن ینظـر الرجـل الی المـرأة اذا أراد أن یتزوّجها، ینظر الی خلفها و الی وجهها**»؛ (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج۱۰، ص۶۷۸، ح۳). حسـن بـن سـرّی می‌گوید از امام صادق علیه‌السلام سؤال کردم که آیا مرد می‌تواند در زنی کـه خواهـان ازدواج با اوست، تأمّل کند و به پشت و صورت او نگاه کند؟ حضـرت می‌فرمایـد: «بلـه؛ مـانعی ندارد که مرد به پشت و صورت زنی که قصد ازدواج با او را دارد، نگاه کند».

در این روایت اشکال سند و دلالی وجود دارد:

اشکال سندی: این روایت به خاطر وجود حسن بن سرّی در سند، ضعیف است؛ چرا که این شخص توثیق نشده است (موسوی خوئی، بی‌تا، ج۵، ص۳۳۰).

اشکال دلالی: در این روایت اطلاقی وجود ندارد تا شـامل جـواز نظـر بـه تمـام بـدن مخطوبه شود؛ چرا که روایت ظهوری در جواز نظر به پشت مخطوبه بـه حالـت عریـان و بدون لباس ندارد؛ بلکه ظاهر روایت این است که نظر به خلـف از روی لبـاس بـه هـدف اطّـلاع بـر حجـم بـدن اشـکال نـدارد (انصـاری دزفـولی، ۱۴۱۵ق، ص۴۰؛ موسـوی خـوئی، ۱۴۱۸ق، ج۳۲، ص۱۶).

ـ عن ابی عبدالله علیه‌السلام انّه سأله عن الرجل الی المرأة قبل أن یتزوّجهـا؟ قـال: «**نعـم، فلـم یعطی ماله**» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج۱۰، ص۶۸۰، ح۴). امام صادق علیه‌السلام به پرسشـی دربـاره نگـاه بـه زن در قبل از ازدواج با او پاسخ دادند: «آری؛ پس چرا مالش را در اختیار او می‌گذارد؟»

این روایت هم به واسطه ارسال ضـعیف اسـت؛ عـلاوه بـر آنکـه اطلاقـی در روایـت وجود ندارد تا شامل جواز نظر به تمام اعضـای مخطوبـه شـود (موسـوی خـوئی، ۱۴۱۸ق، ج۳۲، ص۱۶) (روایت در مقام بیان محدوده جواز نظر به مخطوبه نیست تـا در ایـن بـاره اطلاقـی داشته باشد).

ـ عن یونس بن یعقوب قال: قلت لأبی عبدالله علیه‌السلام: الرجل یرید أن یتزوّج المرأة، یجوز له النظر إلیها؟ قال: «**نعم، و ترقّق له الثیاب، لأنّه یرید أن یشتریها بأغلی الثمن**» (عاملی، ۱۴۱۳ق،

ج۲۰، باب ۳۶ از ابواب مقدمات نکاح، ص۹۰، ح۱۱). امام صادق علیه‌السلام در پاسخ به سؤالی درباره نگاه به مخطوبه فرمودند: «بله، (جایز است) زن لباسی نازک بپوشد؛ زیرا مرد خواهان خرید او با قیمت گران است».

استدلال به این روایت برای تأیید نظر سوم (جواز نظر به تمام بدن مخطوبه) مبتنی بر این است که «**ترقّق له الثیاب**» به معنای پوشیدن لباسی باشد که پوست بدن را نشان دهد؛ در حالی که مراد، تخفیف ثیاب به معنای کم کردن تعداد لباس‌ها به هدف اطّلاع خاطب بر حجم بدن مخطوبه است و مؤیّد مطلب این است که ثیاب با صیغه جمع به کار رفته است که به معنای کم کردن لباس‌ها است و اگر مراد از «**ترقّق له الثیاب**» پوشیدن لباس نازک باشد، مناسب بود که لفظ ثیاب به شکل مفرد می‌آمد (موسوی خوئی، ۱۴۱۸ق، ج۳۲، ص۱۷).

مقام دوّم: بررسی وجود مقیّد بر اطلاق روایات

بر فرض که روایات مذکور اطلاق داشته باشد، این اطلاق با نصوص معتبره مقیّد می‌شود:

ـ **عن هشام بن سالم و حمّاد بن عثمان و حفص بن البختریّ کلّهم، عن أبی عبدالله علیه‌السلام قال: «لا بأس بأن ینظر الی وجهها و معاصمها إذا أراد أن یتزوّجها»** (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج۱۰، ص۶۷۹، ح ۲). امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: «مانعی ندارد که مرد به صورت و ساعد زنی که می‌خواهد با او ازدواج کند، نگاه کند».

قید «**وجهها و معاصمها**» در روایت برای احتراز از جواز نظر به اعضای دیگر مخطوبه است (اصل در قیود احترازیت است) و در غیر این صورت، اگر نظر به تمام اعضای بدن مخطوبه جایز باشد، آوردن این قیود لغو خواهد بود؛ در نتیجه، این روایت مقیّد اطلاق روایات گذشته است (موسوی خوئی، ۱۴۱۸ق، ج۳۲، ص۱۷).

ـ **عن یونس بن یعقوب قال: «سألت أبا عبدالله علیه‌السلام عن الرجل یرید أن یتزوّج المرأة و أحبّ أن ینظر إلیها؟ قال: تحتجز، ثمّ لیدخل فلینظر، قال: قلت: تقوم حتّی ینظر إلیها؟ قالت: نعم، قلت: فتمشی بین یدیها؟ قال: ما أحبّ أن تفعل»** (عاملی، ۱۴۱۳ق، ج۲۰، باب ۳۶ از ابواب مقدمات نکاح، ص۹۰، ح ۱۰). از امام صادق علیه‌السلام درباره‌ی نگاه مردی که دوست دارد زن

مخطوبه را ببیند، سؤال شد، حضرت فرمودند: «زن احتجاز کند و بنشیند و آن گاه مرد بر او وارد شود و او را ببیند، راوی سؤال کرد: آیا می‌شود در پیش مرد راه برود؟ امام علیه السلام فرمودند: دوست ندارم زن چنین کند».

ظاهر روایت این است که امام علیه السلام در مقام بیان وظیفه شرعی است و امر به احتجاز (بستن لنگ) می‌کند و لذا روایت دلالت بر عدم جواز نظر به بدن مخطوبه را دارد؛ چرا که اگر نظر به بدن مخطوبه جایز بود، نیازی به امر به احتجاز نبود (موسوی خوئی، ۱۴۱۸ق، ج۳۲، ص۱۷). در نتیجه این روایت مقیّد اطلاق روایات گذشته است (بر فرض که روایات گذشته نسبت به جواز نظر به بدن مخطوبه اطلاق داشته باشد، این روایت مقیّد اطلاق است؛ لذا نظر به تمام بدن مخطوبه جایز نیست).

لازم به ذکر است که صحّت استدلال مرحوم خوئی رحمه الله مبتنی بر این است که کلمه «تحتجز» در روایت آمده باشد که به معنای بستن لنگ است؛ امّا اگر در روایت تعبیر به «تحتجر» شود (که در نسخه تهذیب چنین است) (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج۷، ص۴۴۸)؛ به معنای نشستن در محلّی است و در این معنا استدلال مرحوم خوئی دچار اشکال است.

۴. شروط جواز نظر به مخطوبه

۱. خاطب بداند که مخطوبه می‌تواند با او ازدواج کند، مثل اینکه مخطوبه همسر نداشته باشد و یا اینکه در عدّه طلاق یا وفات نباشد (انصاری دزفولی، ۱۴۱۵ق، ص۴۱؛ عاملی، ۱۴۱۰ق، ج۵، ص۹۸؛ حلی، ۱۳۸۷ق، ج۳، ص۵).

۲. خاطب قبلاً از حال مخطوبه مطلّع نباشد؛ چرا که در صورت اطلاع خاطب از حال مخطوبه، نظر به مخطوبه به منظور اطلاع از حال او نخواهد بود؛ در نتیجه، مشمول جواز نظر به مخطوبه در نصوص نمی‌شود (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۰ق، ج۲، ص۶۳۴، مسأله ۲۶؛ موسوی خوئی، ۱۴۱۸ق، ج۳۲).

۳. خاطب قصد ازدواج با مخطوبه را داشته باشد (روایاتی که در بخش‌های قبلی ذکر شد، دلالت بر جواز نظر به مخطوبه در صورت قصد ازدواج دارد؛ عاملی، ۱۴۱۳ق، باب ۳۶، از ابواب مقدمات نکاح، ص۸۷). تعدادی از فقها قائل هستند که جواز نظر به مخطوبه در صورتی است که خاطب

قصد ازدواج بـا مخطوبـه را داشـته باشـد (طوسـی، ۱۴۰۷ق، ج۴، ص۲۴۸؛ حلـی، ۱۳۸۷ق، ج۳، ص۸؛ حکیم، ۱۴۱۶ق، ج۱۴، ص۱۲؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج۲۹، ص۱۶). امّا بعضی دیگر از فقها معتقدنـد کـه بـه طور مطلق با وجود قصد ازدواج (چه با مخطوبه و چه با غیـر او)، نظـر بـه مخطوبـه جـایز است (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۰ق، ج۲، ص۶۳۴، مسأله ۲۶؛ موسوی خمینی، بی‌تا، ج۲، ص۲۲۵ و موسـوی خـوئی، ۱۴۱۸ق، ج۳۲، ص۲۰).

۴. خاطـب احتمـال حصـول توافـق بـر تـزویج را بدهـد (همـان؛ موسـوی خـوئی، ۱۴۱۸ق، ج۳۲، ص۱۸).

۵. برخی از فقها، عدم قصد تلذّذ را در جواز نظر به مخطوبه شرط می‌کنند، هـر چنـد که با نگاه کردن تلـذّذ حاصـل شـود (عـاملی، ۱۴۱۰ق، ج۵، ص۹۸؛ انصـاری دزفـولی، ۱۴۱۵ق، ص۴؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۲۰ق، ج۲، ص۶۳۴، مسأله ۲۶؛ موسوی خمینی، بی‌تـا، ج۲، ص۲۲۵؛ موسـوی خـوئی، ۱۴۱۸ق، ج۳۲، ص۱۸)؛ امّـا برخـی از فقهـا جـواز نظـر بـه مخطوبـه را مشـروط بـه عـدم قصـد تلـذّذ نمی‌دانند، مگر زمانی که در نظر قبل از عقد، خـوف فتنـه باشـد (حلـی، ۱۴۱۴ق، ج۲، ص۵۷۳؛ حائری طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج۱۱، ص۳۹؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج۲۹، ص۶۵).

۵. نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه:

۱. با وجود نصوص صحیح بر جواز نظر در بیش از وجـه و کفّـین مخطوبـه، محـدود کردن جواز نظر بر وجه و کفّین، به نوعی اجتهاد در مقابل نصّ است؛

۲. روایات نسبت به جواز نظر به تمام اعضای مخطوبه اطلاق ندارد و بر فـرض مطلـق بودن روایات، این اطلاق با نصوص صحیح، مقیّد به جواز نظر بر وجه و کفّین و محاسـن می‌شود؛

به نظر می‌رسد نظریه دوّم صحیح است و محـدوده نگـاه مجـاز بـه مخطوبـه، وجـه و کفّین و محاسن بدن مخطوبه از قبیل: مو، ساعد، گردن و... می‌باشد و مسـتند ایـن نظریـه روایات است. در روایات بیان شده است که علّت جواز نظر به مخطوبه، رفع غرر است و غرر با نظر به مواضع مذکور برطرف می‌شود.

فهرست منابع

* قرآن مجید.

۱. ابن منظور، محمد (۱۴۱۳ق)، لسان العرب، بیروت: دار إحیاء التراث العربی.

۲. انصاری دزفولی، مرتضی بن محمدامین (۱۴۱۵ق)، کتاب الطهارة، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم، انصاری.

۳. بحرانی، یوسف بن احمد بن ابراهیم (۱۴۰۵ق)، حدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۴. جوهری، اسماعیل بن حمّاد (۱۴۱۰ق)، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، بیروت: دارالعلم للملایین.

۵. حائری طباطبایی، سید علی بن محمد (۱۴۱۸ق)، ریاض المسائل فی تحقیق الکلام، قم: مؤسسه آل البیت علیهم‌السلام.

۶. حکیم، سید محسن (۱۴۱۶ق)، مستمسک العروة الوثقی، قم: مؤسسه دارالتفسیر.

۷. حلی، جعفر بن حسن (۱۴۱۸ق)، المختصر النافع فی فقه الامامیه، قم: مؤسسه للمطبوعات الدینیه.

۸. ــــــــــــــ (۱۴۰۸ق)، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم: مؤسسه اسماعیلیان.

۹. حلی، احمد بن محمد (۱۴۰۷ق)، المهذب البارع فی شرح المختصر النافع، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۱۰. حلی، حسن بن یوسف بن مطهّر (۱۴۱۰ق)، ارشاد الإذهان الی أحکام الایمان، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه‌ی قم.

۱۱. ـــــــــــــــــــــ (۱۴۲۰ق)، تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الامامیه، قم: مؤسسه امام صادق علیه‌السلام.

۱۲. ـــــــــــــــــــــ (۱۴۱۴ق)، تذکرة الفقهاء، قم: مؤسسه آل البیت علیهم‌السلام.

۱۳. ـــــــــــــــــــــ (۱۳۸۷ق)، إیضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، قم: مؤسسه اسماعیلیان.

۱۴. حمیری، نشوان بن سعید (۱۴۳۰ق)، شمس العلوم و العرب من الکلوم، بیروت: دارالفکر المعاصر.

۱۵. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷الف)، الخلاف، قم: دفتر انتشار اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۱۶. ـــــــــــــــــــــ (۱۴۰۷ب)، تهذیب الاحکام، تهران: دارالکتب الإسلامیة.

۱۷. طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم (۱۴۲۰ق)، عروة الوثقی، قم: دارالتفسیر.

۱۸. عاملی کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۳ق)، جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم: مؤسسه آل البیت علیهم‌السلام.

۱۹. عاملی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۰ق)، الروضة البهیّة فی شرح اللمعة الدمشقیة، قم: کتاب‌فروشی داوری.

۲۰. ـــــــــــــــــــــ (۱۴۱۲ق)، مسالک الإفهام إلی تنقیح شرائع الاسلام، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیة.

۲۱. عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۳ق)، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، قم: مؤسسه آل البیت علیهم‌السلام، لإحیاء التراث.

۲۲. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق)، العین، قم: نشر هجرت.

۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ق)، الکافی، قم: دار الحدیث و النشر.

۲۴. مظفر، محمدرضا (۱۳۷۵)، أصول الفقه، قم: مؤسسه اسماعیلیان.

۲۵. موسوی خمینی، سیدروح‌الله (بی‌تا)، تحریر الوسیلة، قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
۲۶. موسوی خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۸ق)، موسوعة الامام الخوئی، قم: مؤسسه إحیاء آثار الامام الخوئی.
۲۷. ـــــــــــــــــــــ (بی‌تا)، معجم رجال الحدیث، بی‌نا: بی‌جا.
۲۸. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت: دار إحیاء التراث العربی.